



که وقایع سلجوقیان به پایان می‌رسد، خاتمه می‌یابد»^۱ مترجم کتاب فوق دکتر یعقوب آژند، نامه مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۶۳ مرحوم سعید نفیسی که این مساله را متذکر شده است را آورده‌اند.

مذهب راوندی
با مطالعه راحة الصدور راوندی، می‌توان از خلال مطالب و نوشته‌ها به خاستگاه

فکری و گرایش مذهبی مؤلف پی برد. در جای جای کتاب و در حالیکه وی با نثر و نظم به ستایش سلاطین سلجوقی می‌پردازد همچنین علاقه و تمایلات مذهبی خود را نسبت به مذهب حنفی که شاهان سلجوقی به ارث برده‌اند، نمایان می‌کند.

راوندی حنفی مذهب و سنی است، دشمنی و کینه‌توزی وی نسبت به مذاهب دیگر بویژه شیعه، اسماعیلیه و حتی شافعیان و اشعریان کاملاً مشهود است.

وی پس از ذکر مطالبی در ستایش و تکریم ابوحنیفه کوفی (امام حنفی) می‌نویسد:

«چون امام اعظم ابوحنیفه کوفی رضی الله عنه بحجة الوداع بود حلقه در کعبه بگرفت و گفت خداوند اگر اجتهاد درستست و مذهب من حقست نصرتش کن که از برای تو خدا تفریر شرع مصطفی کردم هاتمی از خانه کعبه آواز داد و گفت ... حق گفتی و رایت مذهب تو افزاشته و صفة اعتقاد تو نگاهشته خواهد بود مادام که شمشیر در دست ترکان حنیفی مذهب باشد، و بحمداله تعالی پشت اسلام قویست و اصحاب بوحنیفه شاذان و نازان اند و چشم روشن، و در عرب و عجم و روم و روس شمشیر در دست ترکانست و سهم شمشیرایشان در دلها راسخ، و سلاطین آل سلجوق ... چندان تربیت علمای اصحاب بوحنیفه کرده‌اند که اثر محبت ایشان در دل پیر و جوان مانده است.»^۲

راوندی با تایید و صحه گذاشتن بر سیاست مذهبی سلاجقه درگسترش مذهب حنفی می‌نویسد: «اگر در همه جهان منصبی از مناصب جز اصحاب

بن ارسلان بن طغرل، ظهیرالدین نیشابوری که استاد سلطان ارسلان و مسعود بود و خویش دعاگری دولت نبشته بود تا سلطان کیخسرو... مطالعت فرماید»^۳ دکتر عبدالحسین نوایی می‌نویسد:

«این کتاب [راحة الصدور] درحقیقت همان سلجوقنامه ظهیری نیشابوری است با همان فصول و همان شیوه تنظیم و همان مطالب بدین معنی که راوندی از آن رونویسی کرده بدون آن که چیزی بر آن افزوده و یا کاسته باشد. منتها برای پوشاندن این نادرستی مقداری از قصاید شعرای بزرگ مثل انوری، خاقانی، و غزنوی را در کتاب آورده ... بدین ترتیب این موارد را سرهم بندی کرده و کتابی ساخته تا به مخدوم خویش هدیه کند و صله‌ای دریافت دارد. هر جا هم که خواسته از خود مطلبی بیآورد دچار اشتباهات فاحش شده تا آنجا که به نظر می‌آید از تاریخ و تاریخ‌نویسی چندان اطلاعی نداشته... باید ذکری از میرزا اسماعیل خان افشار حمیدالملک که مشت این دروغ زن را باز کرده و او را به عنوان یک «منتحل» معرفی کرده است و می‌دانیم که انتحال به معنای سرقت ادبی است، بنماییم.»^۴

یان ریپکا در کتاب ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان می‌نویسد:

راحة الصدور و آية السرور (۱۲۰۳/۵۹۹) در تاریخ سلجوقیان از نجم الدین ابوبکر محمد راوندی نوعی سرقت ادبی از سلجوقنامه ظهیری نیشابوری است، چرا که حتی یک کلمه هم بیش از مطالب تاریخ مذکور به راحة الصدور افزوده نشده و حتی وقایع آن در سالی

کتاب اعلام الملوک یا راحة الصدور و آية السرور در پایان قرن ششم ه. ق. به دست نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی به فارسی نوشته شده است. این کتاب نخستین بار به همت و تصحیح محمد اقبال، از دانشمندان هندی چاپ شد و در سال ۱۳۳۳ به سعی استاد مجتبی مینوی چاپ اول و نیز در سال ۱۳۶۴ چاپ دوم آن بوسیله انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. این کتاب از منابع

ومتون تاریخی است که ما را برای مطالعه و تحقیق در زمینه تاریخ سلجوقیان، و تاحدی سلاجقه آسیای صغیر یاری می‌رساند. هر چند که کتاب دارای ضعف هایی از جمله اختصار و مجمل گویی در ذکر وقایع تاریخی، ثنا و ستایش تفصیلی و طولانی ملال آور، به ویژه از پادشاهان، اشتباهات در ذکر سال وقایع و حوادث گوناگون که مصحح موارد متعددی از آن را اصلاح نموده است می‌باشد، ولی برای مطالعه و پژوهش در تاریخ سلاجقه اساساً نیازمند این کتاب می‌باشیم.

کلودکاھن، استاد تاریخ شرق و سرزمینهای اسلامی دانشگاه پاریس می‌گوید: «او [ظهیرالدین نیشابوری] راوندی مستقیماً یا غیرمستقیم تنها منبع ضروری برای تمام نویسندگان فارسی بودند که در زمان مغول و تیموریان، از رشیدالدین گرفته تا مستوفی قزوینی در تواریخ عمومی خود فصلی در مورد سلجوقیان گنجانده‌اند.»^۵

البته برخی از تاریخ‌نگاران در مورد منابع دوره سلجوقی برای این کتاب ضعفها و قوت‌هایی را برشمرده‌اند.

کلودکاھن (در بررسی تاریخ نگاری عصر سلجوقی) استاد نوایی و میرزا اسماعیل خان افشار حمیدالملک معتقدند که راوندی کتاب خود را از روی کتب عصر خود همچون سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری - نوشته و نسخه برداری کرده است که خود جای تامل و تفحص دارد.

راوندی به کتاب ظهیرالدین اشاره می‌کند و می‌نویسد: «همین تاریخها بهمد خداوند عالم طغرل

تاریخ طبرستان و ...
کتابی که در آنست چنانچه شرح
و بیست و یک چهره را در
طایفه های مختلف و نام
حجرت مکارم هر دو و در سوره
و توفیق و ... چنانکه بود (تبرستان)
ترجمه و تفسیر ...

و از روی کوفی ...
کتابی که در آنست چنانچه شرح
و بیست و یک چهره را در
طایفه های مختلف و نام
حجرت مکارم هر دو و در سوره
و توفیق و ... چنانکه بود (تبرستان)
ترجمه و تفسیر ...

۴۳ **کلودکاهن: ظهیرالدین نیشابوری و راوندی**
مستقما یا غیر مستقیم تنها منبع ضروری
برای تمام نویسندگان فارسی بودند که

در زمان مغول و تیموریان ، از رشیدالدین گرفته
۴۴ **صفحات حمدالله مستوفی «قزوینی» در تواریخ عمومی خود**

در مورد سلجوقیان گنجانده اند ...
و ...
مایل (۱۵۴)

۴۵ ...
۴۶ ...
۴۷ ...
۴۸ ...
۴۹ ...
۵۰ ...

بوخنیفه کسی داشتی بزخم شمشیر
بیرون کردند و براصحاب امام
اعظم مقرر داشتندی ، چنانکه سلطان
محمد قاضی قدس الله روحه العزیز
چون مسجد جامع اصفهان نظام
الملک ، بسبب تعصب براصحاب
شافعی مقرر داشت سرها بفرمود
برین و لشکر فرستاد تا قاضی القضاة
صدر صدور جهان رکن الدین ... در
آن مسجد خطبه کرد ، و چون بشارت
بدان حضرت رسید که نماز کرده کلاه
بر انداخت و نشاد کرد و صلابت و
صدقات داد ، و در جامع همدان

همچنان کرد و چون رایب دولت و چتر سلطنت و
رکاب میمون و بازگاه همایون و لشکر منصور و جند
مظفر کیخسرو بهمدان رسد همان کند و شکرانه بسیار
و صدقه بی شمار واجیست برسلطان روزگار و شهریار
کامگار و سایه آفریدگار و صاحب قران هر دیار که ملک
تعالی او را اعتقاد درست و مذهب امام اعظم بوخنیفه
کوفی رضی الله عنه کراست - کرده است ، و براهل
روم جمله شکرانه واجیست که دین مردان و مذهب
عظیم اله هر سلطان قاهر دارند ، راوندی نابودی و
انحطاطا بساط دولت سلجوقی را متاثر از کارهای
گروههای مذهبی از جمله شیعیان (امامیه) و اسماعیلیه
و ... می دانند»
وی در ادامه می نویسد :

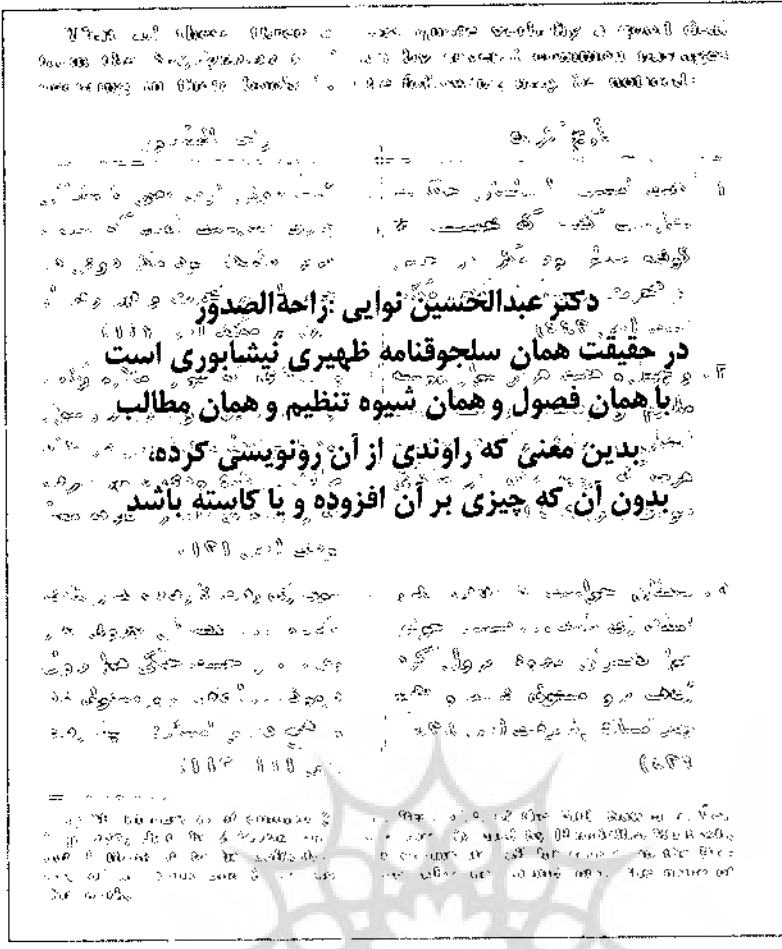
«... در هر شهری بهانه گیری بود که مسلمانان
را رنج می نمود ، و خون و مال مسلمانان می برد که این
منفعت دیوانست و خرابیات و خمرخانها را بنا کردند و
مناهی شرع را تمکین دادند ، و بر هر چیز ضمانی
نهادند و قرار مالی بدانند که این توفیر پادشاهست و
آب علما ببردند ، ... در هر شهری از شهرهای عراق
و ... آن خوردند که در شرع حرام و آن کنند که بیرون از
دین اسلام بود ، پلید زبان باشند ، پهرسخنی دشنامی
بدهند ، اول سخن دشنام و دوم چماق و سوم زربده هر
سه بنا واجب»
وی در باره شورش شیعیان در عهد خوارزمشاه
می نویسد :
«روافضه و عزالدین نقیب که سرو سالار رافضیان

بود محلهای ایشانرا دروازه ها گشود و لشکر بغداد در
ری رفتند و بیشتر لشکریانرا بکشتند و غریب و شهری
را بفارتیند و آن بی رحمی در بلاد اسلام کسی نکرده
بود که بر خون و مال مسلمانان هیچ ابقا نکنند»
فهرست توصیفی مطالب کتاب
بخش عمده کتاب راحه الصدور شامل بیان تاریخ
سلجوقیان ایران و بخش کوتاهی در برگزیده کیخسرو
بن قلج ارسلان ازسلاجقه سوم و نیز مطالب گوناگون
دیگری است که برای آشنایی بیشتر فهرستی توصیفی
از سرفصلها و مطالب کتاب در ذیل ارائه می شود:

- ۵ صفحه نخست ، تصحیحات مینوی آنچه
که به عنوان غلطهای کتاب و اشتباهات محمد اقبال
ذکر شده آمده است .
- کتاب با حمد و ستایش باری آغاز و نکاتی نغز
، اشعار ، آیات و روایات در وصف صفات پروردگار آمده
است .
- ستایش و نعت پیامبران بویژه حضرت
محمد(ص) با اشعار و جملات توصیفی درخصایل و
فضایل ایشان .
- شرحی بر صحابه ، تابعین و علمای دین ، پس
از بیان ویژگیهای خلفای راشدین به علمای (سنی
مذهب) چون امام بوخنیفه کوفی ، شافعی مطلبی ، سفیان
ثوری ، مالک ، احمدحنبل و ... پرداخته است .
- شرح خصوصیات و محاسن سلطان ابوالفتح
کیخسرو بن قلج ارسلان (ممدوح راوندی) نسب

نامه و پادشاهی وی در سوم و نیز
ستایش و ثنای وافر ایشان .
در ادامه موضوعات گوناگونی ،
از جمله ذکر جور و ظلم بر عراق در
عهد مصنف ، خال مصنف احمدبن
محمدبن علی الراوندی ، خط آموزی
طغرل شاه ، شرحی بر نزدیکان و
دوستان مصنف ، برکات علم در عهد
سلجوقیان ، عدل و انصاف و ... به
اختصار آورده است .

- ذکر نسب و موقعیت سیاسی
و نظامی سلجوقیان و قدرت گیری
آن ها تا پیش از آغاز پادشاهی و روی
کار آمدن طغرل به سال ۴۲۴ ه.ق . و آغاز ظهور
رسمی و بدست گیری سلطنت .
- وقایع ، حوادث ، جنگها و لشکرکشی های
سلجوقیان از زمان طغرل تا افول و سقوط آنها در دوره
آخرین شاه طغرل بن ارسلان شرح داده شده است که
به برخی از حوادث مهم هر دوره اشارت می گردد .
- ۱- ابتدای کار سلجوقیان : الف : درگیری محمود
غزنوی با اسرائیل سلجوقی و دستگیری اسرائیل و
زندانی شدن وی به مدت هفت سال تا زمان مرگ
محمود غزنوی ، ب : مرگ محمود و روی کار آمدن
مسعود غزنوی و درگیریهای وی با سلجوقیان و شکست
دادن آنها ، ج : شکست و سقوط غزنویان و استیلای
سلاجقه به سال ۴۲۴ یا ۴۲۹ ه.ق .
- ۲- سلطنت طغرل و آغاز کار سلجوقیان : الف :
دیدار طغرل با باباطاهر در همدان ، ب : جنگ و درگیری
طغرل با مسعود غزنوی درخراسان (مرو ، سرخس) و
شکست خوردن مسعود ، ج : همدستی طغرل با برادران
و خویشان برای موافقت در امر سلطنت ، د : نوشتن
نامه به خلیفه قایم بامراله ، در این نامه از وقایع و
مسایلی که برانها گذشته ، ستمی که جانب غزنویان
دیدند ، ارادت به خلیفه ، تلاش برای جنگ و جهاد در
راه خلیفه و پیرو و مطیع خلیفه و ... سخن رفته است .
ه : تقسیم ملک بین برادرانش ، و : پاسخ خلیفه به
نامه طغرل ، دستور خلیفه بر خطبه خواندن و سکه زدن
به نام طغرل ، و : قیام باسبیری علیه خلیفه ۴۴۹/۵۰
ه.ق . و تسلط وی به مدت یکسال در بغداد ، ز : تقاضای



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
تیر ۱۳۳۹

دکتر عبدالحسین نواهی: زائحه الصدور
در حقیقت همان سلجوقنامه ظهیری نیشابوری است
یا همان فصول و همان شیوه تنظیم و همان مطالب
بیدین معنی که راوندی از آن رونویسی کرده،
بدون آن که چیزی بر آن افزوده و یا کاسته باشد

خلیفه از طغرل برای سرکوب بساسیری، دستگیری و قتل وی توسط طغرل و گماردن مجدد خلیفه برخلاف، ج: ازدواج طغرل با خواهر خلیفه (بقولی دختر خلیفه)، مرگ وی به سال ۴۵۵ ه.ق.
۳- دوران آلب ارسلان: الف: برکناری عمید الملک از وزارت و کشتن او. توضیح اینکه راوندی پس از روی کار آمدن هر شاهی، وزراء، حاکمان، حاجبان و قضات آنها را نام می برد، ب:

انتصاب خواجه نظام الملک به جای عمیدالملک، ج: جنگ ملازگرد با رومیان، د: کشته شدن آلب ارسلان
۴- دوران ملکشاه: الف: فعالیتهای خواجه نظام الملک، ب: خشم شاه از رفتار خواجه، ج: کشته شدن خواجه بدست اسماعیلیان، د: مرگ شاه یک ماه پس از قتل خواجه.
۵- دوران سلطان سنجر: الف: فتح سیستان و خوارزم، ب: حمله غزان به شهرها و کشتار مردم از جمله شاذیخ (نیشابور) و خراسان، ج: جنگهای فرقه‌ای و اختلافات مذهبی، د: سرکوبی غزان توسط سنجر.
۶- دوران مسعود بن محمد بن ملکشاه: الف: آمدن خلیفه مسترشد به عراق، کپستان و خراسان و رفتن به آذربایجان، ب: ملاقات مسعود با خلیفه، ج: درگیری ملاحده! با خلیفه در آذربایجان، د: لشکرکشی راشد فرزند خلیفه مسترشد برای حمله به ملاحده! که در نتیجه راشد شکست خورد و به اصفهان گریخت، ه: بیعت گرفتن مسعود برای المقتفی به جای مسترشد، و ذکر جنگها و لشکرکشیها مسعود.
۷- دوران محمد بن محمود بن محمد بن ملکشاه: الف: فرار سلیمان پس از هفت سال از زندان، ب: جمع آوری سپاه سلیمان برای جنگ با سلطان محمد، ج: شکست سخت وی در همدان و گریختن وی به مازندران و خراسان.
۸- دوران سلیمان بن محمد بن ملکشاه: الف: آمدن از موصل به همدان به سال ۵۵۵ ه.ق. و برتخت نشستن، ب: قصیده سید اشرف در مدح وی، ج: سستی سلیمان در امر ملکداری و مداومت وی در شربخواری، د: اقدام امرای قوم برای برتخت گماردن

شراب و دیدگاه شرع (اهل تسنن) احادیث و نسبت به آن.
● مسابقه و تیراندازی و توصیه‌های شریعت، شکار و صید حیوانات و نظرات فقهی و شرعی و صید حلال و حرام، شرحی درباره رقوم هندسی، رسم خط و ترکیب اشکال اعداد، شرحی بر الفبای فارسی که آنرا نوزده حرف می داند، حساب جمل و جداول آن و در آخر با مدح و ستایش ممدوح راوندی کیخسرو بن قلج ارسلان کتاب خاتمه می یابد.
البته مصحح حواشی و توضیحات جامع و معانی لغات و اصطلاحات و فهرست اعلام را بر کتاب افزوده است که خود کمکی برای شناخت و درک مطالب کتاب می باشد.

پس نوشتها:
۱- یعقوب آژند (ترجمه و تدوین)، تاریخ نگاری در ایران (مجموعه مقالات)، چاپ اول، ۱۳۶۰، گستره، ص ۵۰.
۲- راوندی، راحة الصدور و آية السرور، تصحیح محمد اقبال، چاپ دوم، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۶۴.
۳- عبدالحسین نواهی، متون تاریخی به زبان فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۶، ص ۵۱.
۴- پروفیسور یان ریپکا، ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، ترجمه یعقوب آژند، گستره، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۲۴.
۵- راوندی، پیشین، ص ۱۸-۱۷.
۶- همان، پانوش ص ۱۸، محمد اقبال می گویند: این نظام الملک که اسمش ابونصر احمد است پسر نظام الملک شهیر (وزیر ملکشاه) بوده است.
۷- همان، ص ۱۹-۱۸.
۸- همان، ص ۲۰.
۹- همان، ص ۲۱.
۱۰- همان، ص ۲۷۸.

ارسلان بن طغرل بن محمد به جای سلیمان و محاصره وی، هزروی کار آوردن ارسلان توسط امرا و محجوس کردن سلیمان، و: مرگ سلیمان در زندان همدان و دفن وی در کنار برادرش مسعود در همدان.
۹- دوران ارسلان بن طغرل بن محمد: الف: جلوس در سال ۵۵۵ به مدت هفده سال تا ۵۷۱ ه.ق.، ب: شرح دوران رشد و تربیت وی، ج: جنگ با ملاحده! و کشتن بسیاری از آنها.
۱۰- دوران طغرل بن ارسلان: الف: درگیری و تعرض امرای قوم با وی و تمایل آنها به اتابک قزل ارسلان، ب: درگیری با لشکر خلیفه به سال ۵۸۴ و پیروزی وی، ج: حرکت طغرل به آذربایجان به سال ۵۸۵ برای سرکوب اتابک قزل ارسلان و شورش عم و عم زادگان، د: سفر راوندی به مازندران، ه: آمدن قزل ارسلان به همدان و برتخت نشستن وی، و: همدستی امرا به سال ۵۸۷ ه.ق. برای کشتن قزل ارسلان در خواب، ز: درگیری و جنگ طغرل با خوارزمشاه به سال ۵۹۰ ه.ق. کشته شدن وی و پیروزی خوارزمشاه، اشعار نوحه سرایی و نوبه مؤلف بر مرگ طغرل.
استیلای خوارزمشاهیان: الف: جنگها و غارت و چپاول سپاه خوارزمشاه، ب: ورود خوارزمشاه به سال ۵۹۰ ه.ق. به همدان و برتخت نشستن وی، ج: استیلا بر عراق و کشتار و غارت آنها، د: شورش روافضه! و گرفتن ری به سال ۵۹۱ ه.ق. آمدن نماینده خلیفه به نزد خوارزمشاه با هدایا و خلعت.
راوندی در پایان کتاب موضوعاتی را خارج از محبت اصلی و تاریخی آورده که به قرار زیر است:
● آداب ندمت (همنشینی)، شرحی بر بازی و گذشته و تغییرات و ... شطرنج، حرمت و حلالیت